



سندی از «انجمن اسلامی»^(۱)

س. برادران شکوهی

[غیرت]: نه! شما تشریف نداشتید.
[انصاف]: حالا که آمده‌ام؛ بگو ببینم چه
واقع شده؟

غیرت: شریعت را پامال کردند.
انصاف: الله، الله؛ مگر علما تشریف
نداشتند؟

غیرت: آه، آه؛ بعضی از آنها را نفی بلد کردند؛
بعضی را خانه نشین نمودند؛ بعضی را در
روزنامه‌ها کافر نوشتند؛ به معتبرین آنها،
ابن ملجم^(۵) سیرت گفتند.

غیرت: الله، الله؛ ساداتی که خامی علما و
فداییان مذهب جد خود بودند، چه شدند؟
انصاف: جایی که علما را چنین کنند،
سادات را می‌کشند!

غیرت: الله، الله؛ در شهر اسلام ذریه پیغمبر را
که کافران احترام می‌کنند می‌توان کشت؟
انصاف: آه، آه؛ بلی می‌کشند، سهل است،
تاراج می‌نمایند.

غیرت: الله، الله؛ این چه حرفی است؟ در کجا
اتفاق افتاده؟ در تبریز. کی؟ روز جمعه ماه
ذیحجه. الله، الله؛ جمعه عید مسلمین است.
ماه ذیحجه گوسفند می‌کشند. در این ماه
پیغمبر اکرم (ص) قتال و جدال را نهی
فرموده. آه، آه؛ مسلمانان ذریه پیغمبر خود را
کشتند؟ مگر نفرمود: اُنّی نَارِکُمْ فِیْکُمْ
التَّائِبِینَ (۶). الله، الله؛ واقعه کربلا است؛ بلی
حکم نموده به محله شتریان یورش آورده،
توپ کشیدند، دم دروازه مردم را لخت
نمودند، سه [باب قهوه] خانه با دو باب
دکان خیازخانه به یغما^(۷) بردند؛ که‌ها^(۸)
بودند؟ جماعت کثیرا!

غیرت: الله، الله؛ اولاد پیغمبر را در کجا
کشتند؟ آه، آه؛ در قهوه خانه آنجا چه
می‌کرد؟ چه می‌خورد؟ اهل دعوا بود؟ لا، و
الله! با چه کشتند؟ با گلوله! از چند جا؟ از
سه جا! الله، الله؛ بعد از کشتن نفت ریخته که
آتش بزنند! چه می‌گفت: می‌سوزانم. جد
این در آخرت به من شفاعت نکند! الله، الله؛
دعوی آنها چه طور بود؟ یک نفر بهر^(۹)
چهار پنج نفر! بلی، زنبیل عرق با گیلان^(۱۰)

خانمان برانداز یازده ماهه، بین دولتیان و
مشروطه‌پیمان در این شهر ادامه داشت و
طرفین، همزمان با مبارزه مسلحانه، به مدد
نوشته‌ها و روزنامه‌ها، در صدد انعکاس
خواسته‌های خود و جلب مردم به سوی
خویش بودند. از آن جمله، اعلانی است
تحت عنوان: «سوال جواب انصاف از
غیرت» که به دست انجمن اسلامی پراکنده
شده و اینک، جهت آگاهی از مسایل
تاریخی و نظرات طرفین منازعه، به نشر آن
اقدام می‌گردد.

سؤال جواب انصاف از غیرت

لَیْسَکَ (۲) عَلَی الْاِسْلَامِ مَنْ کَانَ بَاکِیاً (۳)، فَقَدْ
هُدِمَتْ اَرْکَانُهُ وَ مَعَالِمُهُ (۴).

انصاف: مگر چه واقع شده؟

غیرت: که در شهر اسلام تقیه لازم گشته!

[انصاف]: برای چه؟

غیرت: از برای گشتن حرف حق!

انصاف: آنکه غیرت مرده است.

در انقلاب مشروطه، انتشار اعلامیه،
منحصر به دولت نبود. هر حزب، سازمان،
انجمن و حتی هر کسی می‌توانست نیّت
قلبی و عقیده خود را به کمک اعلامیه،
اعلان، رساله و ... چاپ و منتشر سازد.
چنانکه مدارس و جمعیت‌ها به نسبت حال
و مقال و توان و استعدادشان، به چاپ
آگهی، نوشته، خبرنامه، نظامنامه و
مرامنامه‌ها پرداخته و خواسته‌شان را موافق
و مخالف، به صور گوناگون بیان نموده و
عیان می‌ساختند.

سابقه این امر در تاریخ معاصر، از دوره
ناصری است. بررسی روند «مادی کردن» و
«جارزدن» و تبدیل آن به چنین نشریات
پراکنده و شبنامه و روزنامه و اعلامیه و
اشتهارنامه و ...؛ تحقیقی است لازم و
ضروری که باید به طور دقیق صورت گیرد.
اما در این مختصر، آنچه منظور نظر ماست،
نشان دادن یکی از این اعلانات در اوایل
مشروطه در تبریز است؛ زمانی که جنگهای

سوالچا انصا از غیبت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَتَدُمَا مَتَّ اَزْكَانُهُ وَمَعَالِيَهُ اِنصا مکه و واقع شده غیبت
 که در شهر اسلام تقیه لازم گشته (برای غیبت) از برای گفتن حرف حق اِنصا آنکه غیبت مرده است
 نه شما تشریف نداشتید حال آنکه آمده ام بگویم بینم چه واقع شده غیبت شریعتی با مال کردن اِنصا
 الله الله مگر علمای تشریف نداشتند غیبت اه اه بعضی از آنها را نفی بلد کردند بعضی را خانه نشین نمودند
 بعضی را در روزنامه ها کافر نوشتند بعضی را این علم سیر گفتند غیبت الله الله ساد اینکه جای
 علمای وفدائیان مذنب جد خود بودند چه شدند اِنصا جا نیکنه علمای را چنین کنند ساد است میکنند
 غیبت الله الله در شهر اسلام ذریه پیغمبر را که کافران احترام میکنند میتوار گشت اِنصا اه اه
 بی میکنند سهل است تاراج مینمایند غیبت الله الله این چه حرف است در کجا اتفاق افتاده در بهترین
 کی روز جمعه ماه ذیحجه الله الله حمد عید سال است ماه ذیحجه کوفتند میکنند در این ماه پیغمبر اکرم
 قتال و جدال را نهی نموده اه اه علمای نادان پیغمبر خود را کشتند مگر فرمود الله تبارک و تعالی
 الثقلین الله الله وضع کرد اسلحه نموده محله شتریان پورش آورده توبت کشیدند دم
 دروازه مردم را تحت نمودند سه بگنج باد و باب دکان خبازخانه به معنی بودند کجا بودند
 جماعت کثیر غیبت الله الله اولاد پیغمبر را در کجا کشتند اه اه در قهوج خانه اینجا چه میکرد
 چه میخورد اهل دعوا بود لا والله با چه کنند با کوله از چند جا از سه جا الله الله بعد از کشتن شکم
 کراش برزند چه میگفت میگفت میسزایم جد این در اخوت بمن شفاعت کنید الله الله دعواهای آنها
 چه طور بود یک نفر بهر چهار پنج نفر بل زنیبل عرق با کلاس و یک زنیبل منشنک برداشته بود عرق
 میداد بخوردند فشنک میداد نمانده اختند غیبت الله الله مگر اهل محله از بین خارج شده
 بود گاه زنان و اطفال چه بود نه سلمان بودند اِنصا پسر را غیبت برای خاطر چند نفر که
 با اهل محله مدعی بودند اِنصا اجرا بطهران نکران نکرند نکران خانه را کفند از راه یکایتنه
 مگر نیست خیر امتی است اِنصا مشروطه گرفته بودید که رفع ظلم و
 ترویج شریعت بنویسید و امر معروف و نهی از منکر بشود منبر مشهوره نمودند

تکلیف چستین معالج باید کرد اینحکم از کیست حال چه بکنیم جوان غیور اهل
عقله را حفظ نمایند عقلا با علماء شور کنند سادات و اهل شریعت متحد شوند از حضرت
حجت عجل الله فرجه استعانت طلبند از الله مع الحق انصاف پس

پراشما بولا اظهاری نکرید غیرت و کلاه چه بکنند جناب حاجی میر قریان که ذریه حضرت پیغمبر
جمله اظهاری بعضی عرایض با بحر مقدس که خانه امن ملت مشروطه رفته بود از شش طرف تفنگ
نمود و عبا و ساعت بخارن برده اند انصاف مکر و کلاه نشوی نه باشند غیرت پرا تشریف داشتند چه بکنند پیغمبرند
انصاف

از که تیرند آنها که تفنگ بدین غیرت پیغمبر راست کرده بودند کیان بودند غیرت لامذهبن انصاف

اهل تبریز مسلمان هستند چنان کاری میکنند غیرت فقها نیز با بود انصاف الله الله در برابر

صد هزار مسلمان چطور مرتکب این عمل شدند بلکه دروغ است اینم شده انصاف نه والله انصاف

و کلاه بر سینه راست میگویم کالتفویض وسط السماء بود غیرت بر تکلیف چیست انصاف این

مرض شفا فارغ است مسلمانان مستول شده غیرت تفصیل ندارد با حضور چند نفر حکیم حافظ

تیرند انصاف ایله را تفرمایید اگر هر یک سر اسب میمد کرد غیرت در ولایت مشروطه طیب جانان

جیل است پیر چرا اقدام میکنند انصاف والله مسلمانان مند مشروطه نام نهاده اند غیرت

الله الله بذریه رسول هم مند مشروطه میتوان گفت انصاف بلیه حضرت سید الشهداء حاجی نام

نهاده کشتند غیرت حضرت سید الشهداء اتمام حجت فرمودند خیر است که شما هم متابعت جدتان بنائید

انصاف مکر اتمام حجت نمودند انصاف غیرت چه طور اتمام حجت نموده اند انصاف هزاران بار گفته اند

که ما مشروطه میخواهیم قتل نفس را میخواهیم غیرت آنها کیان هستند که در قانون مشروطه قتل واجب

میدانند که باعث نافع بشود انصاف اول عرض شد لامذهبن بمصداق من تشبیر بقوم فهو

ینه آنها کیان هستند که خود را بقوم علیه تشبیه میکنند انصاف اظهر من الشمس است قیفا زینا

غیرت پس جو بیست مسلمانان بحضرت حجت عجل الله فرجه شکایت نمایند و شاهد قرار بدهند

که ما مشروطه هستیم و راغی بقتل نفس نیستیم و طالبان من هستیم مشروطه طلبیم مشروطه خواهانیم مشروطه طلبیم

مشروطه میخواهیم مشروطه میخواهیم اگر او بکنید عرض نمائید یا جدا و یا حجت الله یا صاحب الزمان

عجل الله فرجه او مسلمانان غیرت کیند عبرت کیند اتفاق اتحاد کیند ملتک فت مذهب فت اسلام رفت

مشروطه خواهان